

رئیس‌جمهور:

رایزنی‌های نشست شانگهای ثمربخش بود

رئیس‌جمهور در جلسه هیأت دولت در تبیین ابعاد راهبردی سفر به قرقیزستان تصریح کرد: این رایزنی‌ها با محوریت ارتقای سطح تعاملات و توسعه مناسبات در حوزه‌های متنوع اقتصادی، فرهنگی و تجاری صورت پذیرفته و هر یک از این دیدارها از نتایج ثمربخش و دستاوردهای مطلوبی برخوردار بوده‌است. در ادامه جلسه، علاوه‌بر بررسی مسائل جاری وموضوعات اجرایی مطرح شده از سوی وزرا، هیأت دولت مصوبات مهمی از جمله تصویب «تشکیل شورای عالی هنر و ادبیات»، درخواست از مجلس شورای اسلامی مبنی بر اولویت‌دار نمودن رسیدگی به لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در «سازمان توسعه زنان سازمان همکاری اسلامی» و موافقت با ورود و ترخیص هشت دستگاه بالابر بیمارستانی اهدایی از سوی خیرین به تصویب رساند. در بخش پایانی جلسه، دکتر سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه، گزارش جامع و مفصلی از روند ملاقات‌ها و مذاکرات اخیر در چارچوب سازمان همکاری شانگهای ارائه نمود. دکتر عراقچی ضمن تبیین ابعاد تعاملات سازنده فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و اعضای این سازمان، بر شکل‌گیری روابط پویا و روبه‌رشد در جهت تحقق منافع ملی‌کشورتأکید کرد.



قالیباف:

ایران وجهه مقاومت در یک مسیر قرار دارند

رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با مسئول ارتباطات اسلامی جنبش حماس سوابق تاریخی و مبارزاتی جمهوری اسلامی ایران وجهه مقاومت را بسیار درس آموز توصیف کرد و گفت: اساس و جوهره این مبارزات در جنگ حق علیه باطل و در مواجهه با استکبار بود و روح مقاومت طی ۵۰سال گذشته هر بار با شکل جدیدی در آن متبلور شده است. محمدباقر قالیباف در دیدار با باسِم نعیم با بیان این‌که اصالت جبهه مقاومت در مبارزه با ظلم است، تأکید کرد: ما مذاکره را نفی نمی‌کنیم اما مذاکره یک ابزار برای مبارزه است و اگر روزی دست از مبارزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی با اشکال مختلف آن برداریم، آن روز روز شکست است. وی با اشاره به مذاکره ایران و آمریکا بیان کرد: ما در جریان ماده یک تفاهم‌نامه به پایان جنگ آنها علیه ایران و متحدان ایران در جبهه مقاومت تأکید کردیم در حالی که طرف مقابل ابتدا در متن ۱۵ ماده‌ای خود خواستار توقف کامل فعالیت‌های موشکی، هسته‌ای و مقاومت شده بود. قالیباف با بیان این‌که تمام محورهای جبهه مقاومت به‌صورت یکپارچه هستند، اظهار کرد: مسیر ما باید در یک مسیر جوهری قرار گیرد و باید جبهه مقاومت را برای ادامه جنگ حق علیه حفظ کنیم. امروز حتی دولت‌های دلداده آمریکا در منطقه هم اعتراف می‌کنند این کشور باعث ایجاد ناامنی در منطقه‌است.

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به عدم اجرای مفاد تفاهم‌نامه اسلام‌آباد از سوی آمریکایی‌ها بیان کرد: آمریکایی‌ها باید به تعهدات خود عمل کنند تا اقدام به بازگشایی تنگه هرمز نکنیم.



روسیه نیروگاه‌های اتمی کوچک در ایران می‌سازد

الکسی لیخاچف روز گذشته در حاشیه مجمع اقتصادی شرق در ولادی‌وستوک در شرق دور روسیه گفت: ایران و روسیه در ملاقات دهم شهرویر رهبران در حاشیه اجلاس سران همکاری شانگهای در بیشکک، درباره توسعه بیشتر همکاری‌ها در حوزه هسته‌ای تبادل نظر کردند. وی افزود: تهران و مسکو پیش‌تر توافق‌نامه‌هایی درباره ساخت یک سایت دیگر برای نیروگاه‌های بزرگ هسته‌ای امضا کرده‌اند. مدیرعامل شرکت روس اتم گفت: مقامات ایرانی در مذاکرات قبلی، موضوع ساخت نیروگاه‌های کوچک اتمی را مطرح کرده بودند و به دنبال آن، روسیه پیش‌نویس توافق‌نامه بین‌دولتی برای ساخت این نیروگاه‌ها را به طرف ایرانی ارائه کرده‌است. لیخاچف اظهار کرد: با بازگشت ایران به شرایط عادی، این کشور برنامه هسته‌ای خود را توسعه خواهد داد و روس اتم قصد دارد در آن شرکت کند.

همچنین به گزارش خبرگزاری تاس، لیخاچف با اشاره به بررسی وضعیت نیروگاه اتمی بوشهر در دیدار رؤسای جمهور ایران و روسیه گفت: اوضاع در این نیروگاه هم ایک آرام است. وی اضافه کرد: متخصصان روس اتم از اواسط ماه سپتامبر (شهریور- مهر ۱۴۰۵) کار تعمیر و نگهداری برنامه‌ریزی‌شده را برای تعویض مجموعه‌های سوخت در نیروگاه هسته‌ای غغال بوشهر در ایران آغاز خواهند کرد.

حملات آمریکا به ایران که شامگاه سه‌شنبه، دهم شهریور، از سواحل جنوبی کشور آغاز شد، در کمتر از چند ساعت با پاسخ موشکی و پهپادی ایران به مجموعه‌ای از مواضع و پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه همراه شد؛ تبدالی که به گفته رویترز، شدیدترین رویارویی مستقیم دو کشور از ماه ژوئیه تاکنون بوده

است. فرماندهی مرکزی آمریکا اعلام کرد در این حملات، مواضع سپاه از جمله سامانه‌های پدافندی، رادارها، تجهیزات دریایی، تأسیسات مرتبط با مین‌گذاری و مراکز ارتباطی هدف قرار گرفته‌اند. همزمان گزارش‌ها از حمله آمریکا به اهدافی در امتداد سواحل جنوبی ایران حکایت داشت همچنین نقاطی در هرمزگان، خوزستان، کرمانشاه، کرمان و سیستان و بلوچستان هدف قرار گرفته و در میان مناطق نام‌برده‌شده، کوهستک سیریک، قشم، بندرعباس، جاسک، کنارک، چابهار، عسلویه، فرودگاه جیرفت، اهواز و آغا‌جاری دیده می‌شود. یکی از تلخ‌ترین ابعاد حملات شامگاه سه‌شنبه، هدف قرار گرفتن یک جشن عروسی در منطقه کوهستک در استان هرمزگان بود؛ حادثه‌ای که بنا بر اعلام هلال احمر، به‌کشته شدن پنج نفر و زخمی شدن ده‌هائفرانجامید. وزارت خارجه کشورمان در واکنش به این حمله، آن را «جنایات جنگی وحشیانه» و «نقض فاحش اصول بنیادین حقوق بین‌الملل» توصیف کرد و با اشاره به موارد پیشین حملات آمریکایی -صهیونیستی در میناب و لامرد، این حملات را در امتداد همان الگوی هدف قرار دادن غیرنظامیان دانست.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران پاسخ خود را در چند مرحله آغاز کرد. سپاه پاسداران از اجرای عملیات «تنبيه متجاوز» و حمله موشکی و پهپادی به مجموعه‌ای از پایگاه‌ها و مواضع آمریکا در منطقه خبر داد؛ از جمله پایگاه‌های آمریکایی در اردن، بحرین، کویت، عراق و امارات. در میان این اهداف، حمله موشکی به پایگاه «تیتین» در اردن و همچنین پایگاه «پرنس حسن» اعلام شد.

ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز از اجرای مراحل بیست‌ونهم و سی‌ام عملیات «صاعقه» و هدف قرار گرفتن مواضع آمریکایی در پایگاه‌های عیسی بحرین و پایگاه‌های الظفره و المنهداد در امارات خبر داد. سپاه همچنین از حمله تیرکشی موشکی و پهپادی به مواضع آمریکا در اربیل عراق و پایگاه علی‌السالم کویت خبر داد. رویترز نیز حملات ایران به مواضع آمریکایی در بحرین، اردن، کویت و عراق را گزارش کرده است.

امیدواهی ترامپ

همزمان، سپاه پاسداران اعلام کرد دو نفتکش که قصد عبور از مسیر مورد نظر ایران در تنگه هرمز را داشتند، با مین‌های دریایی برخورد کرده‌اند. این تحولات در شرایطی رخ داد که مناقشه بر سر عبور و مرور کشتی‌ها از تنگه هرمز به یکی از اصلی‌ترین محورهای جنگ میان تهران و واشنگتن تبدیل شده است. در سوی دیگر، دونالد ترامپ بار دیگر مدعی شد آمریکا در موقعیت برتر قرار دارد. رئیس‌جمهور آمریکا در پیامی در شبکه اجتماعی تروث سوشال گفت واشنگتن اکنون «تقریباً کنترل کامل تنگه هرمز» را در اختیار دارد و اقتصاد ایران در حال فروپاشی است. اما بخش قابل‌تأمل پیام ترامپ، خطاب مستقیم او به جامعه ایران بود؛ جایی که ناامیدانه از مردم ایران پرسید: «مردم ایران چه زمانی قرار است قیام کنند و بجنگند؟» ترامپ همچنین در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز درباره توافق با ایران گفت: «فکرمی‌کنم توافق با آنها ارزش کاغذی که روی آن نوشته شده را ندارد. ما فرصت‌های زیادی به آنها دادیم.» مجموع این تحولات نشان می‌دهد آنچه شامگاه سه‌شنبه رخ داد، صرفاً یک تبادل آتش دیگر در جنگ شش‌ماهه ایران و آمریکا نبود؛ بلکه تلاش تازه واشنگتن برای تغییر معادله‌ای بود که طی ماه‌های گذشته در اطراف ایران، به‌ویژه در تنگه هرمز، شکل گرفته است؛ تلاشی که پاسخ تهران نشان داد هنوز

حسرت در اتاق بیضی

آمریکا برای چندمین بار با ناامیدی از فشار حداکثری نظامی و اقتصادی دست به دامن اپوزیسیون برای ایجاد آشوب داخلی در ایران شد



نتوانسته محاسبات ایران را تغییر دهد.

■ بازگشت به «اپوزیسیون»: نشانه قدرت یا بن‌بست؟

شاید مهم‌ترین بخش از مواضع دونالد ترامپ پس از حملات اخیر، نه ادعای تکراری او درباره کنترل تنگه هرمز بلکه فراخوان مستقیمش به مردم ایران برای «قیام» باشد. ترامپ در حالی از برتری نظامی و فشار اقتصادی آمریکا سخن می‌گوید که همزمان از مردم ایران می‌پرسد چه زمانی «به‌یای می‌خیزند و مبارزه می‌کنند». این دو گزاره در کنار یکدیگر، یک تناقض مهم را آشکار می‌کند؛ اگر فشارهای نظامی و اقتصادی آمریکا واقعاً به نقطه تعیین‌کننده‌ای رسیده، چرا واشنگتن همچنان به متغیر داخلی ایران امید بسته است؟ واقعیت این‌که آمریکا در ماه‌های گذشته تقریباً تمام ابزارهای فشار خود علیه ایران را به کار گرفته؛ از حمله نظامی و تهدید مستقیم تا تحریم‌های گسترده و فشار بر صادرات نفت. با این حال، نتیجه مورد انتظار واشنگتن یعنی تغییر محاسبات راهبردی تهران و پذیرش خواسته‌های آمریکا حاصل نشده است. اکنون به نظر

برش

محسن رضایی:

بنیان‌تان را خواهیم شکست

شدت و گستره پاسخ ایران به حملات آمریکا با واکنش مقام‌های عالی سیاسی و نظامی کشور نیز همراه شد. دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به مجموعه اقدامات ایران در میدان نظامی، عرصه دیپلماسی و مقابله با فشار اقتصادی، تأکید کرد که واشنگتن با ادامه این مسیر نه‌تنها راهی برای خروج از بحران پیدا نخواهد کرد، بلکه با راهبرد جدید ایران مواجه خواهد شد. محسن رضایی در واکنش به حملات آمریکا اعلام کرد: «با این دست‌وپازدن‌ها، نه‌تنها از قعر جهنمی که برای خود ساخته‌اید، بیرون نخواهید آمد بلکه به‌زودی خواهید دید راهبرد جدید ایران در میدان جنگ، دیپلماسی و مقابله با محاصره اقتصادی، بنیان‌تان را درهم خواهد شکست.»

این اظهارنظر از این جهت قابل توجه است که پاسخ تهران را صرفاً یک عملیات انتقامی نمی‌داند؛ بلکه از ترکیب سه مؤلفه

حسرت در اتاق بیضی

می‌رسد کاخ سفید بار دیگر به همان مسیری بازگشته که طی سال‌های گذشته بارها آزموده است؛ ترکیب فشار خارجی با تحریک نارضایتی داخلی، با این امید که فشار اقتصادی و نظامی سرانجام به تغییر رفتار سیاسی ایران از درون منجر شود.

اما این بازیک تفاوت اساسی وجود دارد؛ فراخوان ترامپ در شرایطی مطرح شده که آمریکا همزمان مستقیماً در حال حمله به ایران است. بنابراین دعوت رئیس‌جمهور آمریکا به «قیام» را نمی‌توان صرفاً یک موضع سیاسی دانست؛ این پیام بخشی از جنگ روانی و فشار ترکیبی واشنگتن است. از همین منظر، فراخوان ترامپ بیش از آن‌که نشانه اعتماد به موفقیت فشارهای آمریکا باشد، می‌تواند نشانه ناتوانی آن در تبدیل قدرت نظامی به یک پیروزی سیاسی باشد. واشنگتن در واقع با یک تناقض جدی مواجه است؛ چگونه می‌توان مردم‌کشوری را که همزمان هدف حمله نظامی قرار داده، به حمایت از اهداف سیاسی همان حمله فراخواند؟ حمله به مناطق غیرنظامی و کشته‌شدن شهروندان ایرانی، در کنار فراخوان ترامپ به اعتراض، می‌تواند حتی نتیجه‌ای معکوس برای آمریکا داشته باشد

سخن می‌گوید: میدان جنگ، دیپلماسی و مقابله با محاصره اقتصادی. به بیان دیگر، راهبرد ایران در برابر فشار آمریکا قرار نیست تنها در میزان و دامنه پاسخ نظامی خلاصه شود.

■ قالیباف: اقدامات آمریکا به تقلید از شیطان است

محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس شورای اسلامی نیز در واکنش به حملات آمریکا و کشته‌شدن غیرنظامیان ایرانی، با اشاره به حمله به مناطق غیرنظامی گفت: «اگر قدرتی مثل شیطان عمل کند، مثل شیطان هدف انتخاب کند و مثل شیطان بکشد، آن قدرت شیطان است. اگر همان قدرت، شیطان کوچک‌تری را که دقیقاً همین کارها را می‌کند حمایت و سپر کند، آن وقت خودش «شیطان بزرگ» است.» کنار هم قرار گرفتن این دو موضع، تصویری روشن از فضای سیاسی ایران پس از حملات سه‌شنبه ارائه می‌دهد: تهران در برابر حمله آمریکا نه در موضع انفعال قرار گرفته و نه قصد دارد پاسخ خود را صرفاً به یک واکنش محدود نظامی تقلیل دهد. پیام اصلی این است که میدان نظامی بخشی از یک راهبرد بزرگ‌تر برای حفظ منافع ملی، بازدارندگی و جلوگیری از تحمیل اراده آمریکا بر ایران است.

یادداشت

محمد کاظم انبیا ربوی | تحلیل‌گراشد مسائل سیاسی

چین هراسی

برای تحقق اهداف غرب‌گرایان

ادعاهای اخیر یک چهره سیاسی در مورد رابطه چین و ایران در واقع نماینده جریانی است که با پارادایم غرب‌گرایانه در سیاست خارجی ایران را پیگیری می‌کند. حقیقت اما چیز دیگری است. شعار کلیدی اوایل انقلاب یعنی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» امروز هم به قوت خودش باقی است.

انقلاب اسلامی، ایران را به‌کانون پدیداری یک نظام الهی تبدیل کرد که می‌تواند الگوی حکمرانی در جهان باشد. اگر رجوعی به دوران پیش از فروپاشی شوروی شود، شعار دیگری وجود داشت که مکمل شعار اول بود: «مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی».

امروز دیگر شوروی وجود ندارد. امروز از دل فروپاشی آن امپراتوری، روسیه پس از افت و خیزهای فراوان به‌عنوان یک قدرت جهانی و یکی از همسایگان حضوری مؤثر معادلات جهانی دارد.

اتفاقات تاریخ روسیه پس از فروپاشی برای غرب‌گرایان می‌تواند درس آموز باشد. روسیه پس از تجزیه شوروی به سمت غرب رفت و تا مدت‌ها در رؤیای همکاری و عضویت در ناتو و ادغام کامل در اقتصاد غربی بود اما غرب نهایتاً نتوانست یک روسیه قوی را بپذیرد و گسترش ناتو به شرق به‌تدریج این آگاهی سیاسی را در کرملین پدید آورد که غرب می‌خواهد این کشور را تجزیه و چپاول کند و کاملاً تابع خود قرار دهد. در واقع غرب به هیچ‌وجه شریک نمی‌خواهد.

آنچه برخی آن را پدیده پوتینیسم در روسیه می‌خوانند، در واقع رویکردی است که می‌توان جوهره آن را بردین از غرب‌گرایی و پیوستن به شرق دانست. اوراسیاگرایی توسط فیلسوف الکساندر دوگین در سال‌های اخیر به لحاظ نظری پر و بال گرفت که فرهنگ و تمدن روسیه متعلق به غرب نیست بلکه متعلق به آسیاست. روسیه در مسیر این آگاهی‌یابی به‌تدریج تمایل بیشتری به ایران پیدا کرد. چینی‌ها هم با وجود پیش از دو دهه همکاری با غرب در نهایت رفتار خصمانه غرب را در تالیوان به عینه مشاهده کردند و امروز مانند روس‌ها رویکرد مشابهی نسبت به ایران دارند. چین بعد از تحولات

و ماهیت سیاسی جنگ را برای افکار عمومی ایران آشکارتر کند.

از سوی دیگر، روایت «انزوای ایران» نیز با واقعیت‌های امروز همخوانی ندارد. ایران همزمان با جنگ، روابط خود را با قدرت‌های غیرغربی و کشورهای جنوب جهانی حفظ کرده و در چارچوب سازمان همکاری شانگهای در کنار چین، روسیه، هند و دیگر اعضای این سازمان قرار دارد. بنابراین فشار آمریکا در خلأ اعمال نمی‌شود و تهران ابزارهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک متعددی برای مدیریت فشارها در اختیار دارد.

در چنین شرایطی، شاید مهم‌ترین پیام فراخوان اخیر ترامپ این باشد که آمریکا هنوز برای رسیدن به هدف نهایی خود، یعنی تغییر رفتار ایران، به حلقه‌ای نیاز دارد که تاکنون نتوانسته ایجاد کند؛ شکستن اراده مقاومت از درون. پاسخ ایران نیز صرفاً در میدان نظامی تعریف نمی‌شود؛ حفظ انسجام داخلی، فعال ماندن دیپلماسی، توسعه روابط با جهان غیرغربی و تحمیل هزینه به آمریکا. اجزای یک نبرد چندلایه‌اند که نتیجه‌آن رانه یک حمله بلکه توازن قدرت در مجموع این میدان‌ها تعیین خواهد کرد.

■ ایران جغرافیای پاسخ را تغییر داد

در میان اهدافی که ایران در موج جدید عملیات خود اعلام کرد، حمله به «تیتین» در اردن اهمیت ویژه‌ای دارد. نفس قرار گرفتن چنین هدفی در فهرست پاسخ ایران یک پیام راهبردی مهم برای آمریکا دارد؛ عمق عملیاتی شبکه نظامی آمریکا در منطقه دیگر به معنای مصونیت آن نیست.

آمریکا طی دهه‌های گذشته شبکه‌ای گسترده از پایگاه‌ها و مراکز نظامی را در اطراف ایران ایجاد کرده است؛ از بحرین و قطر و کویت تا اردن، عراق و امارات. منطق سنتی این شبکه آن بود که توان نظامی آمریکا می‌تواند از فاصله‌ای امن، هزینه را بر رقیب تحمیل کند. پاسخ ایران این فرض را به چالش می‌کشد. حمله به تیتین در کنار حملات اعلام‌شده به پرنس حسن، شیخ عیسی، الظفره، المنهداد، علی‌السالم و اهداف آمریکایی در اربیل، یک مفهوم واحد را منتقل می‌کند: واشنگتن نمی‌تواند هزینه جنگ را فقط در داخل ایران تعریف کند. این مساله برای محاسبات آمریکا اهمیت زیادی دارد. پایگاه‌های منطقه‌ای واشنگتن، که زمانی ابزار اعمال قدرت بودند، در شرایط جنگ مستقیم با ایران می‌توانند به نقاطی برای تحمیل هزینه متقابل تبدیل شوند. همین موضوع، محاسبات دولت‌های میزبان این پایگاه‌ها را نیز پیچیده می‌کند؛ زیرا آنها اکنون باید میان ادامه میزبانی از نیروهای آمریکایی و هزینه‌هایی که ممکن است در نتیجه آن متحمل شوند، تصمیم بگیرند.

از همین منظر، حمله ایران به تیتین را باید بخشی از یک تغییر بزرگ‌تر در الگوی بازدارندگی دانست. ایران به آمریکا نشان می‌دهد پاسخ نظامی آن الزاماً در نزدیک‌ترین نقطه به میدان نبرد اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه می‌تواند شبکه استقرار و پشتیبانی آمریکا را در سراسر منطقه هدف محاسبات خود قرار دهد. این همان چیزی است که جنگ محدود را برای آمریکا دشوار می‌کند. واشنگتن می‌تواند ظرفیت بسیار بالایی برای حمله هوایی داشته باشد، اما مساله اصلی این نیست که چه کسی توانایی شلیک بیشتری دارد؛ مساله این است که چه کسی می‌تواند هزینه ادامه جنگ را برای طرف مقابل غیرقابل تحمل‌تر کند.

ایران با پیوند دادن میدان نظامی، هرمز، دیپلماسی و مقاومت اقتصادی تلاش کرده است هزینه جنگ را از یک محاسبه صرفاً نظامی خارج کند. به همین دلیل حتی همزمان با حملات نظامی آمریکا، تهران مسیرهای دیپلماتیک خود را نیز نبسته‌است. حضور ایران در نشست سازمان همکاری شانگهای در بحبوحه همین جنگ، از این منظر اهمیت نمادین و راهبردی دارد. ایران در حالی که مستقیماً با آمریکا وارد جنگ شده، خود را انزوای کامل بین‌المللی نمی‌بیند و همزمان با چین، روسیه، هند و دیگر بازیگران مهم غیرغربی در یک چارچوب چندجانبه حضور دارد. این واقعیت نشان می‌دهد واشنگتن نمی‌تواند معادله ایران را صرفاً با فشار نظامی و اقتصادی تعریف کند.

ایدئولوژیک در دهه ۹۰ براساس این نظریه که باید در اقتصاد جهانی حرف اول را بزنند، به سمتی حرکت کرد که یک قدرت بی‌نظیر در جهان پدیدآورد و در عین حال اثبات کرد که قصد سلطه‌گری و هژمونی ندارد. روابطی که چینی‌ها با کشورهای مختلف دارند، این مفهوم را برای کشورها روشن کرده‌که چینی‌ها مثل آمریکاو اروپا نیستند که بخواهند استعمار کنند. آنها در ایجاد این ذهنیت برای ملل مختلف موفق شده‌اند اما غربی‌ها افزایش قدرت چین را برای خود تهدید جدی می‌دانند. این‌که در چند سال اخیر روسیه و چین مرتباً به نفع ایران از حق وتو استفاده کرده‌اند و در برابر قطعنامه‌های تجاوزکارانه آمریکا و اروپا ایستاده‌اند، به این دلیل است که آنها به‌تدریج فهمیده‌اند رویکرد ایران در مواجهه با زورگویی و سلطه‌طلبی آمریکا و جهان‌گشایی آمریکایی بر مبنای درکی اصولی و عادلانه صحیح از مناسبات جهان قرار گرفته و می‌تواند زمینه‌ساز روابط جهانی شود. بنابراین این ایران نواده است که تغییر موضع داده باشد بلکه این مسکو و پکن بوده‌اند که با روشن اهداف واقعی غرب متوجه شده‌اند باید تغییر رویکرد بدهند و با جدیت بیشتری از ایران حمایت کنند. این تحولات متأسفانه هنوز برای برخی از عناصری که خود را متعلق به جریان روشنفکری ایران می‌دانند، جان‌نیفتاده است و ما همچنان شاهدیم که آنها برخلاف منافع ملی، در پارل تبلیغات چین‌هراسانه یا روسیه‌هراسانه غربی بازی می‌کنند. این‌که با وجود همه فهرست بلند جنایت‌های آمریکا و اروپا علیه ملت ما و آشکار بودن اهداف استعماری آنها همچنان برخی از روشنفکران یا عناصر سیاسی ما درکی قاجاری و پهلوی از تاریخ و جهان پیرامون دارند، مایه تاسف عمیق است.

عناصر این جریان با نادیده‌گرفتن همه جنایت‌های آمریکا در یک قرن اخیر علیه ملت ما، از کودتاها گرفته تا جنگ‌های تحمیلی و تحریم و انواع توطئه‌ها، در شرایط کنونی طوری از مذاکره و صلح صحبت می‌کنند که نشان می‌دهد هنوز معتقد هستند که می‌شود با این آمریکا کنار آمد؛ برخی از اعضای این جریان، آشکارا نوع و ماهیت رابطه چین و روسیه با ایران را تحریف می‌کنند و فهم جریان انقلابی از ساخت کنونی قدرت در جهان را به سخره می‌گیرند و ابایی از این ندارند که برای رؤیای محال بازگشت آمریکا به ساحت قدرت در ایران زمینه‌چینی کنند.